



پیام سندیکا
شماره ۲۳
آبان ۱۳۹۲



سندیکا

حق قانونی کارگران است



نامه اعتراضی کارگران به لغو بازنشستگی با ۱۰ سال سابقه
اعلام همبستگی سندیکاهای کارگری فرانسه با کارگران ایران
سازمان تأمین اجتماعی و کارگران
انجمن صنفی روزنامه نگاران: ما یک شکل کارگری هستیم
وخامت شدید وضعیت جسمی رضا شهابی
به سندیکاهای کارگری پیوندیم



ماهنامه پیام سندیکا
نشریه مستقل سندیکاهای کارگری ایران
هیئت تحریریه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک
چاپ تهران

شناسه:

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک / تأسیس: ۱۳۳۹
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی / تأسیس: ۱۳۴۷
سندیکای کارگران نقاش و تزئینات / تأسیس: ۱۳۴۸
سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه / تأسیس: ۱۳۵۳

skfelezkar@gmail.com
syndicate message



سندیکای کارگران
نقاش و تزئینات

تأسیس: ۱۳۴۸



سرپیام

با درود

از جمله وظایف کارگران سندیکایی در زمینه آگاهی رسانی به طبقه کارگر، انتشار مطالب آموزشی با موضوع کار و کارگر است که البته از ابتدای فعالیت نوین سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای فلزکارمکانیک در میان کارگران و در فضای مجازی به این مهم مبادرت میکردیم. اما با حملات غیرقانونی سایبری به این تارنماها، تصمیم بر آن شد که با توجه به آزادیهای مصرح در قانون اساسی، برای ارتباط مرتب با کارگران، نشریه ای برای ارتباط سندیکا با مخاطبانش به نشر برسد؛ لذا با عنایت به اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ماهنامه ی «پیام فلزکار» از مهر 1390 توسط سندیکای کارگران فلزکار مکانیک شروع به انتشار کرد که در روز کارگر 1392 با هماهنگی سندیکاهای کارگری «شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه»، «نقاش و تزئینات» و «نیشکر هفت تپه»، و اتحاد میان کارگران این سندیکاها در انتشار نشریه ماهانه، نام این مجله به "پیام سندیکا" تغییر یافت و اینک ماهنامه "پیام سندیکا" (نشریه مستقل سندیکاهای کارگری ایران) توسط هیات تحریری ی سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، به طور ماهانه، به صورت الکترونیک و چاپی، در تهران منتشر میشود تا برای اعضای سندیکاها و کارگران کارخانجات و کارگاههای ایران ارسال گردد و نیز در دسترس علاقه مندان مسائل کارگری در سطح بین الملل قرار گیرد.

مجله پیام سندیکا، همانگونه که از نامش پیداست، تریبون کارگران سندیکایی ایران است که به دست کارگران در داخل کشور اداره میشود، پس طبق اصول کار سندیکایی میبایست به امور طبقه کارگر با زبانی ساده و آموزنده به گونه ای که برای زحمتکشان، قابل درک باشد، - بدون سمت گیریهای سیاسی، مذهبی و فلسفی - پردازد.

پیام سندیکا (نشریه مستقل سندیکاهای کارگری ایران)، ماه گذشته، با اتحاد ما کارگران، تولد سه سالگی اش را به جشن نشست... و تداوم این مسیر جز با همکاری، همفکری و مشارکت شما کارگر زحمتکش، امکان پذیر نخواهد بود.

بر اساس قانون کارگران ، هرکس که در ازای کارش (یدی و یا فکری) از ارائه دهنده کار (کارفرما) مزد دریافت میکند، کارگر محسوب میشود؛ همانگونه که اشاره شد، پیام سندیکا در داخل ایران به دست کارگران و برای کارگران منتشر میشود. بنابراین از همه شما کارگران میخواهیم که پیگیرانه با ما در ارتباط باشید و ما را از نظرات، انتقادات و مطالبات بهره مند سازید.

هیأت تحریریۀ سندیکای کارگران فلزکار مکانیک

– ماهنامه پیام سندیکا

آبان 1392

Email: skfelezkar@gmail.com

تشکیل صنفی کارگری (سندیکا)

حق قانونی طبقه کارگر است.

کارگران! متحد شوید...

«اقتصاد وسیله است نه هدف»

«نامه اعتراضی کارگران به لغو بازنشستگی با 10 سال سابقه»

«در تحکیم بنیادهای اقتصادی
اصل، رفع نیازهای انسان در
جریان رشد و تکامل اوست... بدین
جهت تامین امکانات مساوی
و متناسب و ایجاد کار برای همه
افراد و رفع نیازهای ضروری
جهت استمرار حرکت تکاملی او
بر عهده حکومت اسلامی است.»
(مقدمه قانون اساسی)

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با توجه به مصوبه اخیر مجلس 1392/6/13 در مورد پرداخت
مستمری به افراد با سابقه کمتر از 10 سال سابقه پرداخت حق بیمه که
بسیار به جا و درست بود، متأسفانه با مخالفت شورای نگهبان روبرو
شد. آیا محروم کردن پیرمردان و پیر زنان که در سن 60 سالگی
توانایی کار کردن را ندارد از حق داشتن حداقل حقوق، رعایت قوانین
اساسی است؟ این محرومیت با عدم تعمیم ماده 111 قانون تامین
اجتماعی در مورد کلیه بازنشستگان و مستمری بگیران جهت دریافت

حداقل حقوق کامل گردیده است. هرچند که حداقل حقوق فعلی 4 برابر زیرخط فقر بوده و تامین کننده نیازهای یک شهروند ایرانی نیست، اما دریغ کردن این حداقل حقوق از بازنشسته تامین اجتماعی به عنوان یک امکان ناچیز برای زنده ماندن، سوق دادن پیر مردان و پیرزنان و افراد تحت تکفل به سمت مرگ تدریجی است. مانظر اعضای مجلس و شورای نگهبان رابه مقدمه ذکرشده واصل 43 قانون اساسی که تاکید کرده است «برای تامین استقلال اقتصادی جامعه وریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد.... 1- تامین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش، و امکانات لازم برای تشکیل خانواده» همچنین اصل سوم قانون اساسی دولت را موظف کرده است که همه امکانات خود را برای امور زیربکاربرد: «بند 12- پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برطبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه» آیا در 60 سالگی می توان کاری جهت تامین نیازهای خانواده خود پیدا کرد؟ نداشتن حداقلی برای رفع نیازهای زندگی در این سن گسترده تر شدن فقر و تباهی نیست؟ همچنین نظر کلیه اعضای مجلس و شورای نگهبان رابه اصول 19 و 20 قانون اساسی در مورد تعمیم ماده 111 قانون تامین اجتماعی به کلیه افراد بازنشسته «مساوی بودن آحاد ملت در برابر قانون» و «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند» جلب می کنیم. اصل 29 قانون اساسی بصورت شفاف تاکید دارد: «برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، ازکار افتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبتهای پزشکی بصورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل

از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق رابرای یک یک افراد کشور تامین کند»

باتاکید بر قوانین ذکر شده و با توجه به پرداخت سهمی از درآمدها در طی سالها به سازمان تامین اجتماعی جا دارد که دولت و سازمان تامین اجتماعی نیز در سنین پیری از ما حمایت و پشتیبانی کنند. لذا ما کارگران امضاکننده این نامه اعتراضی خواستار تصویب و اجرایی شدن این حقوق همگانی:

- 1- تصویب ماده قانونی بازنشستگی با 10 سال سابقه برای مردان دارای 60 سال سن و زنان 55 سال سن هستیم.
- 2- دریافت حداقل حقوق برای کلیه بازنشستگان با هر چند سال سابقه می باشیم.



سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران و حومه
هیات بازگشایی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات تهران
وحومه 1392/7/6

با کوشش کارگران سندیکایی طرح دو فوریتی تعیین تکلیف تامین اجتماعی اشخاصی که ده سال و کمتر حق بیمه پرداخت کرده اند، پس از اعمال اصلاحاتی در مجلس به تایید شورای نگهبان رسید. افراد مختلف می توانند با پرداخت پول به سازمان تامین اجتماعی و خرید کسر سابقه بیمه تا ۱۰ سال سابقه پرداخت بیمه،

از مزایای بازنشستگی با دریافت ۱۰ روز مستمری و دسترسی رایگان به خدمات درمانی بهره‌مند شوند.

رونوشت به:

شورای نگهبان(تحويل به دفترشورای نگهبان ساعت 10 و 40 دقیقه صبح
(1392/7/7)

مجمع تشخیص مصلحت نظام(تحويل به دفتر مجمع تشخیص مصلحت نظام
ساعت 10 و 50 دقیقه صبح 1392/7/7)

وزیر کار آقای ربیعی (ثبت در دبیرخانه به شماره 113590 به تاریخ
(1392/7/7)

سازمان تامین اجتماعی آقای نوربخش(ثبت در دبیرخانه به شماره
1655817 به تاریخ 1392/7/7)

آقایان محجوب، کامران نمایندگان مجلس(ثبت در دبیرخانه به شماره
5654566 به تاریخ 1392/7/7)

خبرگزاری ایلنا (تحويل به خبرگزاری ساعت 14)

سندیکاهای کارگری و انجمن های صنفی کارگری

«این نامه از طرف 744 کارگر امضا شده است. کارگران فلزکارمکانیک
،کارگران نقاش،کارگران زن شاغل در کارگاهها،کارگران کارخانه
پاکشوما،کارگران کارخانه طیوران ابزار شهرک صنعتی پرند،کارخانه تابان
گستر پویا شهرک صنعتی نصیرآباد شهریار. نا گفته نماند که 20 درصد امضا
های جمع آوری شده متعلق به کارگران زن شاغل در کارگاهها بوده است.
قابل ذکر است که برای اولین بار در جمع آوری طومار در ایران 32 کارگر
فلزکارمکانیک با نوشتن شماره تلفن های خود به این طومار اعتباری خاص
بخشیدند»

(روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک) 1392/7/8



نامه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به وزیر کار ایران

خدمت آقای ربیعی ، وزیر محترم کار

با درود، جناب آقای ربیعی، ابتدا ضمن تبریک به حضرت عالی جهت انتخاب شما به عنوان وزیر کار قابل ذکر است که ما امضا کننده گان نامه که همگی از کارگران نیشکر هفت تپه هستیم، در سالهای گذشته، تنها به دلیل حق خواهی و تامین معیشت زندگی دچار مصائب و رنجهای فراوانی شدیم. آن هم در شرکتی که به دلایل مختلفی، مانند سوء مدیریت، افت شدید تولید، فرسودگی کارخانه و پایین بودن تعرفه گمرکی در آستانه تعطیل شدن قرار داشت. و در دایره موارد ذکر شده در مورد اوضاع نامناسب شرکت هیچ ارتباطی با کارگران نداشت. یعنی وجود ناهنجاریهای ذکر شده خارج از حیطه، عملکرد و مسئولیت ما کارگران بود. بلکه موارد ذکر شده تابع دلایل مختلفی بودند که طبیعتاً در یک مجموعه دولتی، عامل بحران و مشکلات به گردن نهادهای دولتی است. ولی آن کسانی که توان چنین ندانم کاریها و بی لیاقتی ها را دادند کارگران بودند. حقوق حقه کارگر با تاخیرها و دشواریهای عدیده ای پرداخت میشد. امنیت شغلی و امنیت روانی کارگران و خانواده ها از بین رفته بود. در تداوم شرایط مذکور، اوضاع به حدی بغرنج شده بود که برای بسیاری تهیه نان خالی هم دشوار شده بود. گرفتن نان قرضی از نانوایی متداول شده بود و سفره

کارگران به شدت خالی شده بود. در چنین شرایط غم بار و ناامید کننده ای کارگران به تنها وسیله ممکن (یعنی اعتصاب) جهت بیان اعتراض ناشی از وضعیت بوجود آمده پرداختند. شعار "کارگر هفت تپه ایم، گرسنه ایم گرسنه" بخوبی شرایط رقت بار کارگران را نشان می داد. همچنین کارگران با مشاهده ضعف و سستی شورای اسلامی کار، با جمع آوری امضا این تشکل نامتجانس با وضعیت کارگران را منحل کردند. شورایی که قرار بود به استیفای حقوق کارگران پردازد عملاً پادوی کارفرما بود و در خدمت کارفرما قرار داشت. در عوض کارگران در یک اقدام جمعی، و بر طبق مقوله نامه ها 87 و 98 سازمان جهانی کار که ایران عضو آن است، دست به تاسیس سندیکای خود زدند. اقدامی که نتایج ملموسی برای کارگران به همراه داشت. لازم به گفتن است که همگی ما از اعضای هیئت مدیره سندیکا نیشکر هفت تپه هستیم.

آقای وزیر، مبارزه کارگری مبارزه ایست برای معیشت و رسیدن به یک زندگی شرافت مندانه صورت میگیرد. آنهم در شرایطی که این اوضاع سخت بر ما تحمیل شده بود. چرا که ما خود را در پیدایش این وضعیت گناهکار نمیدانستیم. با اینهمه در اثر پائیزی و ایستادگی کارگران، خوشبختانه دولت مجبور شد که دوباره شرکت نیشکر هفت تپه را یاری کند. در نتیجه شرکت از زیر مجموعه مادر تخصصی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی خارج و به وزارت صنایع یعنی به زیر مجموعه سازمان گسترش و نوسازی صنایع منتقل گردید. اما مانند تمامی پدیده های انسانی، این چنین پیروزی برای کارگران خالی از نتایج نبود. مسئولین انتقام امتیازاتی را که ناچار شدند به کارگران بدهند، از ما فعالان سندیکائی که منتخب کارگران بودیم، گرفتند. این نتایج را ما شش نفر امضا کننده نامه پرداخت نمودیم. بازداشتهای متعدد، توأم با پرونده سازیهای مختلف، زندان از شش ماه تا یک سال

و نیم و اخراج از دوسال و نیم تا سه سال. اینها بخش کوچکی از توانی است که ما پرداخت نمودیم. زیستن در زیر فشار واضطراب، تحمل انواع توهین ها و تهمتهای گوناگون آن هم به خاطر اتهاماتی که نخ نما و بی اساس بود. طبیعی است که همسران و فرزندان ما هم به این ترتیب مجازات می شدند و محرومیت های شدیدتری را باید تحمل می کردند.

آقای وزیر شما در ابتدای وزارت خویش، اعلام کردید که شما در گذشته کارگر بوده اید و به آن افتخار می کنید. ما می خواهیم یاد آوری کنیم که با توجه به نگاه تحقیرآمیزی که در جامعه و دولت نسبت به طبقه کارگر وجود دارد، متأسفانه کارگران در ایران (به شرط کارگر ماندن) هیچ شانسی جهت وزارت ندارند که هیچ، آنها حتی نمی توانند شهردار شهرشان هم بشوند. آقای وزیر خودتان بهتر میدانید که مسئولیت فعلی شما هیچ ربطی به کارگر بودن شما در گذشته ندارد، بلکه مربوط به مشاغل بعدی تان است. صرف اعلام اینکه شما قبلاً کارگر بوده اید بالقوه هیچ نفعی برای طبقه کارگر ندارد.

آقای وزیر، کارگران در ایران روزگار سختی را می گذرانند. دشواری هایی مثل، دستمزد پایین تر از خط فقر، عدم وجود تشکل مستقل کارگری که بتواند از زندگی ما کارگران دفاع کند و نداشتن حق اعتصاب و همچنین تاخیرهای طولانی در پرداخت حقوق و دستمزد کارگران، تنها بخش کوچکی از مصائب این طبقه بزرگ بشمار می رود. در حالیکه هر بقالی سر کوچه در وضعیت بهم ریخته اقتصادی، راساً قیمت کالای خود را جهت فروش تعیین می کند، با اینهمه ما کارگران بعنوان فروشندگان نیروی کار، حق مشارکت در تعیین این یگانه کالایی که برای عرضه داریم را نداریم. بطوریکه حتی در کمیته دستمزد، که ظاهراً تکیه بر سه جانبه گرایی دارد، و با اینکه آن نمایندگان بخش کارگری در این کمیته نمایندگان واقعی کارگران نیستند، باز هم این نماینده دولت

است که کنترل را در دست دارد و اضافه دستمزدسالیانه کارگران را تعیین قیمت میکند. درحالیکه کارفرمایان در هرشرایطی میتوانند سرمایه خود را از تولید خارج کنند (یعنی اعتصاب کنند) و یا همانطور که سال گذشته دیدیم اجناس خود را در انبارها نگه دارند و وارد بازار نکنند، اما کارگر از چنین حقی (اعتصاب) برخوردار نیست. کارگران نیشکر هفت تپه برای گریز از شرایط تحمیلی که توأم بود با گرسنگی که کیان خانواده های شان را تهدید می کرد، مجبور شدند دست به اعتصاب بزنند. اعتصابی که که کاملاً خود جوش و مسالمت آمیز بود. ولی در نهایت آنکسی که تنبیه شد ما بودیم. نه آنانی که زندگی بیش از چهار هزار کارگر را به خطر انداخته بودند. عدم پرداخت و یا حتی تاخیر در پرداخت حقوق و دستمزد کارگران جرمیست نابخشوده، ضدانسانی و ضد اخلاقی. چرا که زندگی، جان و عزت کارگران به خطر می اندازد. در خاتمه: ما خواستار بازگشت به وضعیت شغلی خود، پرداخت حقوق و بیمه این دورانی را که از کار اخراج بوده ایم، هستیم. ما همچنین خواستار آن هستیم که احکام قضائی صادره درباره مابطل اعلام گشته و از ما اعاده حیثیت شود. چرا که این شرایطی که بر سر ما آمد راضیالمانه و بدور از عدالت میدانیم. مگر ما کارگران چه گناهی کرده ایم که چوب بی تدبیریها و تصمیمات غلط دیگران را بخوریم؟ اختیار دست دیگران است و توان را ما پس بدهیم؟ ما بدنبال عدالت هستیم. ملاک ما در قضاوت حرفهای زیبا، کلی و مبهم نیست. در زمینه عمل است که این قضاوت شکل می گیرد. موفق باشید. با آرزوی سربلندی و اعتلای طبقه کارگر

1392/7/9

محمدحیدری مهر، قربان علیپور، جلیل احمدی، رضارخشان
فریدون نیکوفر، علی نجاتی

اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه



اعلام همبستگی سندیکاهای کارگری فرانسه

(ث.ژ.ت / سولیدر / اف.اس.یو)

با کارگران ایران

در پی فراخوان سندیکاهای

"کارگران فلزکار مکانیک" و "کارگران نقاش و تزئینات"

و خانواده های اسالو و جراحی

«بیانیه زیر در پاسخ به فراخوان 1392/5/20 سندیکاهای

فلزکار و مکانیک و سندیکای کارگران نقاش و تزئینات و

خانواده های اسالو و محمد جراحی صادر شده است»

در ایران سرکوب کارگران را متوقف کنید!

سندیکاهای کارگری فرانسوی ث.ژ.ت، اف.اس.یو، و سولیدر (همبستگی) حمایت خود را از فراخوان تشکل های کارگری مستقل و خانواده های کارگران زندانی در ایران اعلام می دارند.

افشین اسانلو کارگر حمل و نقل، در ماه ژوئیه در زندان رجایی شهر جان می سپارد. شرایط غیرقابل تحمل زندان موجب مشکلات سلامتی، جسمانی و روانی شده و محدودیت های تحمیلی بر زندانیان به نوبه خود موجب وخیم تر شدن این شرایط شده است. محمد جراحی، کارگر ساختمان و عضو سندیکای کارگران نقاش و دکوراسیون ساختمان، در



زندان از سرطان غده تیروئید رنج می برد و به علت فقدان معالجه جانش در معرض خطر قرار دارد. شاهرخ زمانی، کارگر زندانی و یک عضو دیگر سندیکای فوق، به خاطر مبارزاتش در داخل زندان قرار است تجدید محاکمه شود.

رضا شهابی، راننده اتوبوس و عضو هیئت مدیره ی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه (واحد)، که در زندان در شرایط سلامتی بسیار بدی قرار دارد، از معالجات و درمان پسا- جراحی محروم بوده است.

بهنام ابراهیمزاده، فعال کارگری زندانی و مدافع حقوق کودکان، به اتهامات بی اساس و واهی قرار است تجدید محاکمه شود. پدرام نصرالهی، محمد بوداگی و مهدی فراخی شاندیز به خاطر فعالیت های سندیکایی شان کماکان در زندان بسر می برند.

اسامی فوق تنها بخش اندکی از کارگران زندانی را شامل می شود. کارگران در ایران برای بهبود شرایط کار و زندگی چقدر و تا کی باید رنج ببرند و قربانی دهند. مگر این کارگران موجد چه خطری هستند که از معالجه و درمان محروم می شوند، حتی به قیمت مرگ شان؟ ما از مقامات قضایی ایران می خواهیم که کارگران زندانی بیمار را فوراً آزاد کند تا آن ها بتوانند به امکانات درمانی لازم دسترسی داشته باشند.

سازمان های اتحادیه ای فرانسوی ت.ژ.ت، اف.اس.یو، و سولیدر به نقض مقاوله نامه های 98 و 87 سازمان جهانی کار توسط حکومت ایران معترض بوده و خواهان آزادی کلیه کارگران مبارز زندانی در ایران هستند.

پاریس – 2013/9/23

با رای دادگاه کارکنان دولت صورت گرفت:

محکومیت مدیرعامل وقت شرکت واحد در پی شکایت فعالان سندیکای کارگران شرکت واحد

براساس رای صادر شده از سوی شعبه ۱۰۵۹ دادگاه کارکنان دولت، حسین بیژنی مدیرعامل وقت شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به دلیل ممانعت از اجرای رای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار استان تهران در خصوص بازگشت به کار چهار کارگر این شرکت به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم کرد.

در پی ممانعت مدیرعامل پیشین شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از بازگشت به کار چهار نفر از فعالان کارگری و شکایت کارگران، این مقام کارفرمایی با رای دادگاه کارکنان دولت محکوم شناخته شد. به گزارش خبرنگار ایلنا، براساس رای صادر شده از سوی شعبه ۱۰۵۹ دادگاه کارکنان دولت، مدیرعامل وقت شرکت واحد

اتوبوسرانی تهران و حومه به دلیل ممانعت از اجرای رای هیات‌های تشخیص و حل اختلاف اداره کار استان تهران به یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم شد. حسن سعیدی یکی از چهار کارگری که به دلیل ممانعت مدیرعامل وقت شرکت واحد از حضور در محل کار خود محروم شده بود در باره جزئیات حکم دادگاه به ایلنا گفت: پس آنکه در سال ۸۴ جمعی از کارگران شرکت واحد به دلیل مشارکت در اعتراضات صنفی اخراج شدند، هیات‌های تشخیص و حل اختلاف ادارات کار استان تهران در نیمه اول سال ۸۶ رای بازگشت به کار ما را صادر کردند. وی ادامه داد: آن زمان آقای بیژنی در مقام مدیرعامل و کارفرمای وقت شرکت واحد به شرط اخذ تعهد نامه محضری حاضر به قبول آراء صادره و بازگشت به کار این کارگران شده بود. وی بابیان اینکه آن زمان چهار نفر از کارگران در اعتراض به این اقدام غیر قانونی شکایتی را در شعبه ۱۰۵۹ دادگاه کارکنان دولت مطرح کرده بودند، پس از سه سال سرانجام براساس این شکایت دادگاه رسیدگی کننده رای به محکومیت کارفرما داد. این کارگر شرکت واحد افزود: هم اکنون رای صادره در شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران تایید و برای اجرا ابلاغ شده است. گفتنی است، صدور این رای درحالی است که از سال گذشته سه تن از فعالان مستقل کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به نام‌های «وحید فریدونی»، «حسن سعیدی» و «ناصر محرمزاده» از کار اخراج شده‌اند و در حال حاضر برای بازگشت به کار منتظر رای مراجع قضایی هستند.

تصویر حکم دادگاه کارکنان دولت

تاریخ: ۱۳۹۲/۰۵/۲۰		کلاس پرونده: ۸۷۷/۵۴/۹۱		شماره دادنامه: ۶۵۷
مراجع رسیدگی: شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران				
تجدید نظرخواه: آقای اردشیر (حسین) بیژنی با وکالت آقای غلامرضا جناغی به نشانی تهران-خیابان شریعتی-روبروی پارک ساعی پلاک ۹۶۵-طبقه ۵-واحد ۱۶				
تجدید نظرخواندگان: شکات مندرج در دادنامه بدوی				
تجدید نظرخواسته: دادنامه شماره ۰۱۲۹ مورخ ۹۱/۰۷/۱۶ شعبه ۱۰۵۹ دادگاه عمومی جزایی مجتمع کارکنان دولت تهران				
«مردشکار»				
پس از وصول پرونده و ثبت آن به کلاس مذکور با جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده، جلسه دادگاه به تصدی قضات امضاء کنندگان ذیل و با حضور نماینده دادستان تشکیل گردیده است. هیئت شعبه با بررسی محتویات پرونده و استماع نظر ایشان مبنی بر صدور حکم قانونی، ختم رسیدگی را اعلام و با استعانت از خداوند متعال و تکیه بر وجدان قضایی مشاوره نموده، مبادرت به صدور رأی می نماید.				
نماینده دادستان				
«رأی دادگاه»				
در خصوص اعتراض و تجدید نظرخواهی آقای اردشیر (حسین) بیژنی با وکالت آقای غلامرضا جناغی از دادنامه شماره ۰۱۲۹ مورخ ۹۱/۰۷/۱۶ صادره از شعبه ۱۰۵۹ دادگاه مجتمع کارکنان دولت تهران که بموجب آن نامبرده به اتهام استکفاف از اجرای دستور مقام قضایی موضوع عدم اجرای به موقع دستور دادرسی اجرای احکام مدنی مجتمع قضایی شهید باهنر تهران مبنی بر اعاده به کار شکات تجدیدنظرخواندگان به یکسال انفصال از خدمات دولتی محکوم که اعمال ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی به مدت دو سال تعلیق گردیده است. با ملاحظه محتویات پرونده و لایحه اعتراضیه تجدید نظر خواه و اینکه از ناحیه ایشان ایراد و اشکال موجه و موثری که مطابق شقوق مندرج در ماده ۲۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری سبب بی اعتباری و در نتیجه نقض دادنامه صادره و رسیدگی بیشتر را فراهم نماید مطرح نگردیده است. عمده مطالب آورده شده در لایحه اعتراضیه تکرار مطالب بدوی است. بنابراین دادنامه بدوی از نظر رعایت اصول و تشریفات دادرسی و میانی استدلال خالی از ایراد و نقص قانونی است. لذا دادگاه مستنداً به بند الف از ماده ۲۵۷ قانون مازالذکر ضمن رد تجدید نظرخواهی به عمل آمده دادنامه معترض عنه را عیناً تأیید می نماید. رأی صادره به استناد ماده ۲۴۸ همین قانون قطعی است.				
مستشاران شعبه ۵۴ دادگاه تجدید نظر استان تهران پورعرب بابایی				

شوراهای فرمایشی و کارفرمایی

داوود رضوي

فعال سندیکایی

با گذشت دو سال، اعتبار شوراهای فرمایشی و کارفرمایی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به پایان رسید و مجدداً باید این شوراهای نمایشی و کارفرمایی اقدام به برگزاری انتخابات کنند، هر چند در بیست سال گذشته آنچه که من و همکارانم در شرکت واحد شاهد بودیم این شوراهای حتی يك بار اقدام به دعوت مجمع عمومی از کارگران و رانندگان بعمل نیاورند و حتی در طول نمایندگی شان هیچ نقطه مثبتی که در دفاع از حقوق رانندگان و کارگران مشهود باشد وجود نداشته و ندارد. اما میشود به هزاران مورد سرکوب و پایمال کردن حقوق رانندگان و کارگران توسط این نمایندگان اشاره کرد. بطور مثال اخراج هزاران کارگر در طول نمایندگی این شوراهای فقط به جهت رضایت کارفرما و اخراج فله ای کارگران در سال 84 که جرمی جزء دفاع از حقوق همکارانشان در حمایت و پشتیبانی از سندیکای نو پای کارگران شرکت واحد نداشتند. هر دو سال با روش های گوناگون تقلب، اقدام به برگزاری انتخابات نمایشی شوراهای اسلامی کار در شرکت واحد می کنند و متأسفانه عوامل وزرات کار و اداره کار استان تهران هم که باید ناظر این انتخابات باشد تا تقلبی صورت نگیرد، نهایت همکاری و حمایت را از این شوراهای بعمل می آورند، بارها اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد با شکایت های مختلف اقدام به افشاکری از این تقلب ها کرده که متأسفانه نه تنها از سوی بازرسی وزرات کار و بازرسی اداره کار استان تهران اقدامی صورت نگرفته بلکه با کمال وقاحت رئیس بازرسی وقت گفته حق با شما است اما دستور این است که ما به دادخواهی شما توجه نکنیم. سوال این است که کارگران پس چگونه باید نماینده واقعی خود را

انتخاب کنند . با توجه به اینکه سندیکای کارگران شرکت واحد در سال 84 مجدداً سندیکای کارگران و رانندگان را در شرکت واحد با انتخاباتی آزاد احیا کرد، اما متأسفانه با تمام شدت توسط عوامل امنیتی و دولتی مورد سرکوب قرار گرفت هر چند این سرکوب ها باعث نشد تا اعضای سندیکا دست از مطالبات و خواسته های کارگران بر دارند و توانستند با پشتیبانی اعضای خود مطالبات قابل توجه و بی نظیری را برای کارگران بدست آورند و تا کنون هم به این فعالیت ها علیرغم تمام فشارها ادامه دهند ،اما هنوز از سوی کارفرما و دولت بصورت رسمی تایید نشده و همچنین با تهدید و عدم امنیت شغلی در محیط کار مواجه هستند امروز مورخ 9/7/92 پیامی از طریق اعضای سندیکا جهت آگاهی (همکاران به هزارن تن از رانندگان فرستاده شد با این متن) شوراهای اسلامی کار تا کنون اخراج صدها کارگر و راننده را به دلیل گوش بفرمانی و جهت رضایت کارفرما تایید کرده اند بنابر این شوراهای اسلامی کار در دفاع از حقوق کارگران عاجز و ناتوان هستند، با حمایت از سندیکای کارگران شرکت واحد به حقوق واقعی خود خواهیم رسید)این پیام بازتاب گسترده ای از سوی همکاران داشته و نشانگر تلاش سندیکای کارگران شرکت واحد در رسیدن به خواسته واقعی کارگران جهت دست یابی به حق آزادی تشکل های واقعی کارگران است. 9/7/92

نیست از بند گرانی کس رها	شد تهی از لقمه نانی سفره ها
کارگر از تنگدستی شب نخفت	روستایی روستا را ترک گفت
یکسره بی خانمان شد رنجبر	زندگانی شد به کام گنجبر
بگسلد زنجیرها را اتفاق	رشته ای نتوان گسستن در نفاق
وحدت اندیشه و کردار ما	خصم مردم را در اندازد ز پا
علی جعفری مرندي (کارگر)	

گزارش پانزدهمین سالگرد انجمن صنفی روزنامه‌نگاران

ما یک تشکل کارگری هستیم

چکیده: «انتظار می‌رود دولت تدبیر و امید هر چه زودتر به وعده بازگشایی این نهاد جامه عمل پوشاند تا روزنامه‌نگاران ایران به خانه خود بازگردند».

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران در پانزدهمین سالگرد تاسیس‌اش با انتشار گزارشی خود را یک تشکل کارگری نامید که تنها در چارچوب منافع صنفی خبرنگاران و روزنامه‌نگاران فعالیت می‌کرده است. به گزارش دریافتی ایلنا، در این گزارش تصریح شده است: این انجمن یک تشکل یا سندیکای کارگری است که در سال ۱۳۷۷ در وزارت کار و امور اجتماعی به ثبت رسید و فعالیت خود را آغاز کرد. طبق فصل ششم قانون کار هر کارگاه می‌تواند یکی از تشکل‌های کارگری «شورای اسلامی کار»، «انجمن صنفی» و یا «نماینده کارگر» را داشته باشد. انجمن صنفی با اغماض معادل فارسی واژه فرانسوی «سندیکا» ست و در قانون کار جدید با اختیارات مشابه سندیکاها در قانون کار پیش از انقلاب جایگزین آن شده است.

سندیکا، حق قانونی کارگران است.

به مناسبت روز جهانی کودک (16 مهر)

از زندگی و آینده کودکان کار حمایت کنیم.

با پایان تعطیلات تابستانی و آغاز به کار مدارس در اول ماه مهر و با به صدا در آمدن زنگ‌ها، قرار است که میلیون‌ها دانش آموز دختر و پسر، این سرمایه‌های میهن و آینده سازان کشورمان در کلاس‌های درس حضور یابند تا از آموزش و فراگیری علوم و دانش‌های زمانه بهره مندگردند. بدین جهت و برای این منظور میبایست فرزندانمان از آرامش روحی و تامین اجتماعی لازم برخوردار و فارغ از هر گونه نگرانی برای تامین معیشت خانواده و هزینه



تحصیلی خود و خواهران و یا برادران خود به تحصیل اشتغال ورزند. با توجه به گزارشات و آمارهای رسمی از وضعیت کودکان کار توسط خبرگزاری‌های داخل کشور، متأسفانه با واقعیات بسیار تلخ و نگران کننده‌ای روبرو هستیم که اگر در این مورد اقدامات اساسی اتخاذ نگردد ، آینده‌ای همراه با بحران‌های اجتماعی وخیم و وسیع تری را شاهد خواهیم بود. در گزارشات و آمارهایی هر چند کنترل شده و ناقص که توسط خبرگزاری‌های رسمی در داخل ایران انتشار یافته به تعداد روبه افزایش کودکان کار که در رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی، خدماتی، کار در منازل و همچنین کار در کارگاه‌های پرت و مخفی، دست فروشی در خیابانها، پارکها، و قطارهای مترو مشغول به کار هستند، اشاره گردیده است. در آستانه روز جهانی منع کار کودک ، جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان و جمعی از فعالان حقوق کودک

به حق این پرسش را با رییس جمهور جدید ایران آقای حسن روحانی مطرح کردند که "برنامه شما برای باز گرداندن بیش از هفت میلیون کودک در سن آموزش و دورمانده از تحصیل به چرخه آموزش چیست؟ آنها به روشنی در این نامه علت محروم ماندن کودکان از ابتدائی‌ترین حقوق و ضروریات زندگی را چنین به تصویر کشیدند: " این کودکان جهت بازی و تفریح و توسعه اوقات فراغت خویش از تحصیل باز مانده اند، بلکه علت اصلی ریزش این کودکان از این چرخه، فقر و کم درآمدی خانواده هاست و متأسفانه درصد بالایی از این کودکان جذب بازار کار می‌شوند." در این بازار کار که مطمئناً از چشم حکومتگران پنهان نیست، کودکان به عنوان کالایی ارزان و بی دفاع توسط مشتی سودجوی و برای کسب ثروت بیشتر به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار می‌گیرند. کودکان در مقابل دستمزد ناچیزی که از کارفرما دریافت میکنند تا کمک خرجی برای خانواده خود باشند، ناچارند وظایفی را که به عهده آنها گذشته شده در محیطی نامطلوب و با شرایطی غیر انسانی به انجام برسانند. این کودکان به جای اینکه در کلاس‌های درس به آموختن علم و دانش و ورزش و شادی و تفریح مشغول باشند، به اجبار و ناخواسته در شرایط و محیطی نامطلوب در معرض انواع آسیب‌های جسمی و روحی قرار دارند. ریشه تمامی این نابسامانی‌ها و بی عدالتی‌ها را باید در پیش برد برنامه‌های سیاسی و اقتصادی کلان حکومت جستجو نمود. در عرصه سیاست‌های اقتصادی دیرگامیست که دولت‌های گذشته و همچنین دولت جدید آقای روحانی در صدد پیاده کردن دستورات صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بوده و هستند. این نسخه پیچیده شده و از طرف دولت‌های جمهوری اسلامی به صورت یک جرّاحی مرگ آور در زمینه‌های مانند خصوصی کردن کارخانه‌ها و موسسات دولتی و واگذاری آنها و همچنین فراهم کردن امکانات برای کار آفرینان (سرمایه داران)،

تعدیل نیروی انسانی، تغییر قانون کار به نفع سرمایه دارن و در جهت محدود کردن فعالیت سندیکاها کارگری، عدم افزایش دستمزدها و سیاست ریاضت کشی و ... به وخیم تر شدن زندگی زحمتکشان و نابودی زیر ساختارهای تولیدی و کشاورزی کشورمان منجر گردیده است. مطابق آخرین گزارش‌ها بسیاری از فرزندان خانواده‌های کارگر به علت فقر ترک تحصیل کرده و به جمعیت کودکان کار افزوده می شوند. میان سطح دستمزد پایین کارگران با افزایش شمار کودکان کار رابطه ی مستقیم وجود دارد. طرح استاد- شاگردی نمونه ای از سیاست‌های جمهوری اسلامی تلقی میشود که منجر به افزایش تعداد کودکان کار شده است. فراموش نکنیم برخی حامیان حقوق کودکان کار و فعالین سندیکایی هم اکنون در زندان به سر میبرند. با اشاره به گوشه‌ای از مشکلات و بی‌عدالتی‌های موجود در میهن‌مان که در اثر سیاست‌های به غایت ارتجاعی و حامی سرمایه داری حاکمان کنونی و مداخلات و تحریم‌های غیر انسانی که از طرف امپریالیسم علیه مردم ما تحمیل گردیده، ما زحمتکشان به ایفای نقش خود و سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری‌مان به عنوان یک نیروی مدافع منافع حقوق همه زحمتکشان پی می‌بریم. منع کار کودکان و دفاع از حقوق کودکان کار یکی از وظایف سندیکاهای مستقل کارگریست، برای بهروزی و شادی فرزندانمان تلاش کنیم.

کودک شیرین زبان :

از زبان کودک شیرین زبان	دور از آغوش گرم و مهربان
دور از لبخند جان بخش پدر	زندگی را در بهاران در بدر
مانده یکسر بی کس و بی دادرس	چون گل بشکفته با دست هوس
دیو خودخواهی فتد یکسر ز پا	پای گیرد کودک مهر و وفا
میتوان در این فضا آزاد زیست	فارغ از خود کامگیها شاد زیست

علی جعفری مرندی (کارگر)

پیام یکی از نمایندگان کارگران فولاد زاگرس قروه به سندیکای کارگران فلزکارمکانیک

سلام. چهارشنبه دهم مهر ساعت یک در اداره تعاون و کار اجتماعی قروه جلسه حل اختلاف باحضورشش نفر نماینده کارگران برگزار شد. رای بازهم به نفع کارگران صادر شد. چون تا حالا کارفرما هیچ راه کار قانونی ارایه نداده نه فروش کارخانه ، نه اصلاح ساختار یا اعلام ورشکستگی کنه. کلیه مدارک ارایه شده برای ورشکستگی هم جعلیه. ما تا اون زمان کارگر فولاد زاگرس هستیم. تا حالا کارفرما غیر قانونی عمل کرده و می خواست کدخدا منشی ما را به بیمه بیکاری وصل کنه. با کمک شورای تامین و مسولین دیگر استان و شهرستان.





رضا شهابی را آزاد کنید!
Free Shahabi

وخامت شدید وضعیت جسمی رضا شهابی

«رضا شهابی» (عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه) که از سال 89 به علت فعالیت های صنفی در زندان بسر می برد امروز صبح حدود ساعت ده از زندان اوین به بیمارستان شهدای تجریش منتقل شد و پس از گرفتن نوار عصبی از ناحیه کمر و پا در ساعت يك و بیست دقیقه بعد از ظهر به زندان اوین برگردانده شد. نامبرده که حین بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود از ناحیه گردن و کمر دچار آسیب های جدی شد، بطوری که در بیمارستان امام خمینی مورد عمل جراحی شش ساعته قرار گرفت و بعد از عمل طبق توصیه پزشکان می بایست در خارج از زندان ادامه درمان می داد که این مسئله مورد تایید مسئولین قضایی قرار نگرفت و نامبرده مجبور گردید با شرایط سخت زندان ادامه بهبودی خود را انجام دهد که این بی توجهی مسئولین نسبت به ادامه مراقبت و درمان خارج از زندان آسیب های جدی به کمر و گردن نامبرده وارد کرده

است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن ارسوای سلامتی برای ایشان از مسئولین قضایی خواستار آزادی و رسیدگی فوری جهت درمان این فعال کارگری می باشد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

تهران و حومه/مهر 92



انتقال مجدد رضا شهابی به بیمارستان

رضا شهابی عضو زندانی هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد بعثت تشدید درد کمر و بی حسی پای چپ مجدداً ساعت 10 صبح روز شنبه مورخه 27/7/92 به بیمارستان امام خمینی اعزام شد. بعد از معاینات انجام شده؛ پزشکان مجدداً تاکید کرده اند که برای ادامه درمان شهابی باید از امکانات فیزیوتراپی و اب درمانی در محیطی خارج از زندان استفاده نماید و نامبرده با این شرایط قادر به تحمل کیفر نمی باشد و کوتاهی در این موارد می تواند باعث بروز مشکلات جسمی حادی از جمله احتمال بی حسی سمت چپ بدن گردد، که بمرور زمان منجر به فلج شدن نامبرده می شود. طبق دستورات پزشکان معالج مقرر شد تا هر چه زودتر جهت MRI مجدداً به بیمارستان اعزام گردد. لازم به یاد آوری است که حفظ جان زندانی به عهده زندانبان می باشد و هر گونه کوتاهی در مورد درمان و رسیدگی به این فعال کارگری، عواقب ان متوجه مسئولین ذیربط می باشد

با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه



مهر 1392



گزارشی از یک کارگر فلزکار

شرکت خزر شیر ایران از سال 1378 در تولید فراورده‌های لبنی در کشور فعالیت داشته است. شرکت مزبور دارای یک کارخانه و یک ساختمان چندطبقه ای در شمال کشور است. در این مجموعه 1500 کارگر و کارمند مشغول بکار بودند. چندین شرکت پخش در شهرهای بزرگ از جمله تهران، کرج، شیراز، مشهد، بندرعباس، مشغول پخش محصولات این شرکت. این شرکت از تاریخ 1392/4/12 تولیدات خود را قطع نموده و به دلیل این کار کارخانه بسته شده است. با توجه به اینکه دولت موافقت کرده بود که لبنیات 20 درصد گران شوند اما چون کارخانه دارها 30 درصد می خواسته اند. به دلیل کمتر سود بردن کارخانه دارها آنها هم کارخانه را تعطیل و کارران را به امان خدا رها کرده اند. حالا بگذریم، ما با اینها کار نداریم ما با کارگرهایی که از کار بیکار شده اند کار داریم که از فردای خود بی خبرند. تا بحال که دغدغه ما سر حقوق هایمان بود (دیر کرد) و حالا هم که تعطیلی بدون اطلاع قبلی در کارخانه ها و کارگاه ها باب شده است. لازم به ذکر است که مدیر کارخانه آقای فردوس رییس شرکت ماموت هم می باشد.

اخبار فلزکار

یکی از کارگران کارخانه نخ باف فیروزان تبریز به دلیل بازنشسته نشدن پس از گذشت 4 سال در جلوی درب کارخانه از ساعت 10 شب 7/21 تا ساعت 1 روز بعد دست به اعتصاب غذا برای دومین بار زد. پس از گذشت 15 ساعت اعتصاب او توسط نیروهای اداره کار تبریز بازداشت شد. با قول های داده شده قرار است در هفته جاری مشکل این کارگر حل شود. او گفته است چنانچه مشکلی حل نشود برای سومین بار دست به اعتصاب خواهد زد. در سال گذشته در دیماه نیز این کارگر دست به اعتصاب زده بود که با قول همکاری مسوولین کارخانه دست از اعتصاب غذا برداشت.

گزارش از ایران خودرو

از یک ماه به این طرف و از هم اکنون خطوط تولیدی بهتر و منظم تر کار می کنند و تولید افزایش یافته و خبر مهم این هفته خط ال نود شروع بکار خواهد کرد، که نشانه برداشته شدن تحریم ها می باشد. و این یعنی که فشار کار بیشتر و مثل قبل که نمی توانستیم سرمان را بخارانیم خواهد شد. خط تولید وانت پیکان را که 2 شیفته کرده بودند 1 شیفته کردند و کارگران آن شیفته را به ال نود اضافه کردند.

با رفتن نجم الدین از مدیریت ایران خودرو و آمدن مدیر جدید مقداری از اختلاسهای مدیران ارشد نجم الدین مشخص شد. یکی اینکه قطعات خودرو را در 2 ماشین سنگین جا ساز کرده و در میدان شوش فروخته اند که در تلویزیون نشان دادند. دوم اینکه تعاونی خاص که برای بازنشستگی کارگران ایران خودرو درست شده و عضویت در آن اجباری است اختلاسی در آن صورت گرفته و پولش نیست. به همین خاطر قبلا از ما 5000 تومان کسر می کردند برای حق عضویت حالا 30 هزار تومان کسر می شود برای جایگزینی پولهای اختلاس شده است.

سازمان تامین اجتماعی و کارگران

سهراب عباسی: بابا دست مریزاد صاحبان اصلی سازمان تامین اجتماعی (کارگران) از همه جا بی خبر و شما هم هر جور که دلتان بخواهد تصمیم می گیرید و طرح و نظر می دهید! بیش از سه ربع قرن از عمر سازمانی می گذرد که با سرمایه ی مستقیم کارگران بنا شده است؛ سازمانی که طی این مدت فراز و نشیب های فراوانی را گذرانده است و هیچگاه نتوانسته است به نیازها و توقعات کارگران از این سازمان پاسخ عملی شایسته بدهد. اصلی ترین و مهم ترین سوال ما کارگران از مدیران و مسئولان سازمان تامین اجتماعی از آغاز تا به امروز این بوده و هست که: «چرا هیچگاه ما را در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های سازمانی که با سرمایه ی خودمان بنا شده است بازی نمی دهند؟! آن زمان که پدران ما در کارخانجات و شرکتها کار می کردند و هر پانزده روز به آنها حقوق می دادند، قبل از آنکه دستمزدشان را بدهند سهم بیمه را از آن کسر می کردند و امروزه هم پیش از پرداخت کامل حقوق ماهیانه، سهم بیمه ی ما را کسر می کنند و مطمئناً در آینده نیز همین روال را با فرزندان مان پی خواهند گرفت. طی این سالیان طولانی هر وقت بر سر حق و حقوق صحبتی شده، کارفرما با حالتی طلبکارانه اعلام کرده که: «من بابت حقوق شما ۲۳٪ ماهیانه به سازمان تامین اجتماعی پول می دهم» و از آن طرف دولتها نیز مدام گفته اند که: «دو سه درصدی را نیز ما پرداخت می کنیم» و در آخر معلوم می شود که معادل یک سوم از حقوق ماهیانه



ی ما به سازمان تأمین اجتماعی واریز می شود! از عمر این پرداختها سالیان طولانی می گذرد و با این پولها سرمایه گذاری های فراوانی صورت گرفته، کارخانجات، زیادی در بخش های صنعتی مختلف، زمین، باغ و . . . خریداری شده است و مطمئناً تأمین اجتماعی امروزه به یکی از بزرگترین و ثروتمندترین سازمانها تبدیل شده است و به قول یکی از مسئولان «به

یکی از غولهای بزرگ اقتصادی تبدیل شده است»! حال این سؤال پیش می آید که چه اتفاقی افتاده که سازمانی با این عظمت به جای ارائه ی خدمات بیشتر و بهتر به صاحبان اصلی سرمایه، که همان کارگران باشند، روز به روز از خدمات خود کاسته و همیشه با گفتن جملاتی، کارگران و بازنشستگان را در اضطراب و دلهره نگه می دارد. با هر بار مراجعه به دکتر، آزمایشگاه، داروخانه و ... شاهد دریافتی بیشتر از کارگران بوده ایم. زمانی برای اعزام بیمار از شهرستانها به تهران انواع و اقسام خدمات را ارائه می دادند ولی امروزه کوفت هم نمی دهند. هر بار که بر سر اضافه حقوق سالیانه ی بازنشستگان صحبتی به میان می آید با مطرح کردن جملاتی نظیر: «کمبود منابع»، «کف گیر به ته دیگ خورده»، «سازمان ناتوان است» و همیشه هم بعد از سه چهار ماه تأخیر، خیلی کمتر از میزان تورم سالیانه را مد نظر قرار داده و اعمال کرده اند. آنان تا جایی پیش رفته بودند که در سال ۱۳۹۱ طرحی را برای افزایش سقف بیمه ی کارگران از ۷٪ به ۹٪ مطرح کردند که خوشبختانه در حد طرح باقی ماند؛ از یک طرف اعلام می کنند که سازمان بسیار ثروتمند است و از طرفی دیگر می گویند به تدریج مصارف بر منابع پیشی می گیرد و ممکن است

سازمان ورشکسته شود و در آینده پرداخت حقوق بازنشستگان با مشکل مواجه شود! از طرفی طرح و نظر می دهند که بیمه ها یکی شود و سازمان تامین اجتماعی باید سازمانهای دیگری نظیر بهزیستی و افراد نیازمند را نیز تحت پوشش قرار دهد و از طرف دیگر کارگران فولاد را جدا کرده و بیمه ی جداگانه ای برای آنان تشکیل می دهند؛ از آن طرف تعداد زیادی را در سراسر کشور، که هیچگونه ربطی به تأمین اجتماعی و کارگران ندارند، تحت پوشش این سازمان قرار می دهند و از طرف دیگر در سال ۹۱ اعلام کردند که چرا فقط تأمین اجتماعی، ما می توانیم صندوقهای بازنشستگی متعددی داشته باشیم و کارگران نیز بیمه ی خودشان را داوطلبانه انتخاب کنند. بابا دست مریزاد صاحبان اصلی سازمان تأمین اجتماعی (کارگران) از همه جا بی خبر و شما هم هر جور که دلتان بخواهد تصمیم می گیرید و طرح و نظر می دهید! اما کارگران و بازنشستگان که یکپارچه تحت پوشش تأمین اجتماعی خودمان هستیم و ضعیفان این است، حالا اگر چند تیکه می شدیم چه بلایی سرمان می آوردند؟ آیا تا به حال شده یکبار از کارگران نظر بخواهید؟ شماها چه کاره هستید که براساس منافع خودتان برای زندگی ما تصمیم می گیرید. در گذشته ای نه چندان دور رسم و قانون بر این بود که اگر کارگری ده سال سابقه ی پرداخت حق بیمه داشته باشد و به سن شصت سالگی نیز رسیده باشد می تواند از مزایای مستمری بازنشستگی استفاده کند و ناگهان تصمیم می گیرند که عدد ده را به بیست تغییر دهند و برای شان اصلاً مهم نیست که با این تغییر چه بلایی سر آن کارگر بالای ۶۰ سال می آورند تا بتواند بیست سال سابقه ی کار را فراهم کند! باز چند صباحی است که بحث ۱۰ سال سابقه ی کار و ۶۰ سال سن را مطرح کرده اند و هر بار اعلام می کنند که تمدید شده ولی هیچگاه شرایط این نوع مستمری و بازنشستگی را مطرح نکرده اند اما خودشان می دانند که این افراد مطابق با ۱۰ سال

پرداخت، مستمری دریافت می کنند که مبلغی بسیار ناچیز است. همچنان با مطرح کردن این قانون و کش و قوس دادن به آن، بر سر صاحبان اصلی این سرمایه منت گذاشته و گویا سازمان تامین اجتماعی زیر بار نمی رود و برای اجرای این قانون درخواست منابع مالی می کند و ما به التفاوت تا سقف ده سال راز جیب کارگران درخواست می کند. سؤال اینجاست: فردی که به سن شصت سالگی و ناتوانی رسیده اگر وضع مالی خوبی داشت که اصلاً دنبال این مستمری ناچیز ماهیانه راه نمی افتاد و چشم امیدی به آن نمی دوخت! مگر شما می خواهید چقدر مستمری بازنشستگی به این افراد پرداخت کنید که این همه آن را کش و قوس می دهید؟ به نظر شما این افراد، گیرم کمتر از ده سال حق بیمه پرداخت کرده اند و حتی حاضر شده اند که علیرغم وضعیت فلاکت بارشان ما به التفاوت آن را تا سقف ده سال پرداخت کنند، حق استفاده از سرمایه ی خود را که طی سالیان طولانی در این سازمان انباشته اند را ندارند؟ چگونه است که برای تأمین مالی سازمان پیشنهاد می دادید که سهم کارگر از ۷٪ به ۹٪ تغییر یابد، حالا ما کارگران پیشنهاد می کنیم که برای تأمین منابع مالی سازمان سهم دولت و چتر حمایتی دولت از سازمان تأمین اجتماعی را یکی دو درصد اضافه کنید تا مشکلات این همکاران سابق ما نیز برطرف شود. درست است که ما کارگران شاغل به خاطر شکاف بزرگ بین دخل و خرج زندگیمان مجبور به اضافه کاری، دو شیفت کار و شغل دوم هستیم و کمترین رمقی برای زندگی در خانه و فکر کردن برایمان باقی نمی ماند و این که ما بازنشستگان با عمری کار کردن و زحمت کشیدن و با هربار دریافت مستمری بازنشستگی شرمند زن و بچه هایمان می شویم و مشکلات فراوان دیگر، ولی باز به خوبی می فهمیم و آگاه هستیم که اگر ما کارگران در تصمیم گیری های این سازمان سهیم باشیم، اگر اطلاعات مالی سازمان و سودهای سرشار و انباشته

شده در این سازمان شفاف سازی شود و دخل و خرج های آن برای صاحبانش (کارگران) روشن و شفاف باشد، اگر اختلاس های چندین هزار میلیاردی از سازمان برچیده شود، اگر ریخت و پاشها، حیف و میلها، هزینه جشنهای آنچنانی، رشوه گیری ها، رشوه دادنها، پاداشهای نجومی و صدها آفت و اگرهای دیگر از سر این سازمان برداشته شود و اگر دولتها نیز همانند کارگران اول هر ماه سهم دو سه درصدی خود را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کنند و اگر توانستند، که حتماً می توانند، سهم و چتر حمایتی خود را اندکی افزایش دهند و دیگر بدهی هیچ دولتی به سازمان رقم شصت هزار میلیارد تومان نشود، ماکارگران اطمینان داریم نه تنها سهم درمان، نه تنها افزایش حقوق سالیانه ی بازنشستگان، که حتی بدون هیچ منتی حق و حقوق افرادی را نیز که زیر ۱۰ سال حق بیمه پرداخت کرده اند به طور تمام و کمال پرداخت خواهد شد. معادله نه سخت است و نه پیچیده، کافی است که این اگرها به واقعیت تبدیل شوند.

کودکان به عنوان کالایی ارزان و بی دفاع توسط مشتی سودجوی و برای کسب ثروت بیشتر به شدیدترین وجه مورد استثمار قرار میگیرند. در این بازار کار که مطمئناً از چشم حکومتگران پنهان نیست، این کودکان به جای اینکه در کلاسهای درس به آموختن علم و دانش و ورزش و شادی و تفریح مشغول باشند، به اجبار و ناخواسته در شرایط و محیطی نامطلوب در معرض انواع آسیبهای جسمی و روحی قرار دارند.

ریشه تمامی این نابسامانیها و بی عدالتیها را باید در پیش برد برنامه های سیاسی و اقتصادی کلان حکومت جستجو نمود.



Photo:Hamed Haghdoust

FARS NEWS AGENCY

تأخیر یک ساله

در تحویل مسکن مهر به کارگران فلزکار و مکانیک

چکیده: «نزدیک به یک سال از موعد تحویل واحدهای مسکونی در پروژه شهر پرند می‌گذرد اما مسئولان شرکت عمران پرند به جای انجام تعهدات خود از کارگران طلب پول اضافی کرده‌اند/ کارگران در بدترین شرایط اقتصادی به تعهدات خود در خصوص پرداخت ۱۰ میلیون تومان عمل کرده‌اند.»

نماینده تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک گفت: نزدیک به یک سال از موعد تحویل واحدهای مسکونی به کارگران در پروژه شهر پرند می‌گذرد اما مسئولان شرکت عمران پرند به جای انجام تعهدات خود از کارگران طلب پول اضافی کرده‌اند. «مازیار گیلانی‌نژاد» با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: به موجب تفاهم نامه‌ای که در تاریخ ۲۵ اسفند ماه سال ۸۸، به امضای مشترک تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک و مسئولان شرکت عمران پرند رسید، قرار شد تا واحدهای

مسکونی دو بلوک از فاز ششم این پروژه در قالب مسکن مهر به اعضای تعاونی واگذار شود. رئیس هیات مدیره تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک بابیان اینکه کارگران طبق قرارداد به تعهدات مالی خود عمل کرده‌اند، افزود: قرار بود این واحدها در آذر ماه سال گذشته به اعضای تعاونی تحویل داده شود اما تا کنون این امر محقق نشده است. وی با اشاره به مکاتبات انجام شده تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک با مسئولان شرکت عمران پرند گفت: مسئولان مربوطه در شرکت پیمانکار پروژه فاز ۶، به جای پاسخ دهی اعلام کرده‌اند که تحویل واحدهای مسکونی به کارگران فلزکار و مکانیک مستلزم پرداخت پول بیشتری است. این فعال کارگری افزود: دریافت پول بیشتر از اعضای تعاونی مسکن کارگران فلزکار و مکانیک در حالی است که به موجب قرارداد منعقد شده، پیمانکار پروژه موظف است تا بابت تاخیر ایجاد شده به مالکان خسارت بدهد. وی یادآور شد: به موجب ماده ۷ این قرارداد، در ازاء هر ماه تاخیر معادل نیم درصد ثمن معامله از سوی پیش فروشنده به پیش خریدار پرداخت و یا از میزان پرداخت مرحله سوم کسر خواهد شد. گیلانی‌نژاد بابیان اینکه مسئولان شرکت عمران پرند تاکنون به درخواست این تعاونی مسکن کارگری پاسخ روشنی نداده‌اند، یادآور شد: اعضای این تعاونی در بدترین شرایط مالی ممکن به تعهدات خود در خصوص پرداخت ۱۰ میلیون تومان پیش پرداخت عمل کرده‌اند و انتظار دارند تا طبق قرارداد صاحبخانه شوند. این فعال کارگری بابیان اینکه در حال حاضر به دلیل نبود امکانات زیر ساختی نظیر خطوط لوله کشی آب و گاز اجرای این پروژه‌ها در مرز ۷۰ درصد متوقف شده‌است؛ افزود: چنانچه مسئولان شرکت عمران پرند امکانات زیربنایی را فراهم کنند، لاقلاً دیگر دلیلی برای تاخیر در تحویل خانه پیش فروش شده به متقاضیان وجود ندارد.

چه بر سر زحمتکشان آمده؟!؟

داود عرفانی

کارگر فلزکار

در اخبار بدست آمده در سال 1392 تا الان 3 هزار دختر زیر 10 سال به اجبار پدر و مادر ازدواج کرده اند. اینکه آیا این دختر بچه ها سر از ازدواج در می آورند و می فهمند که ازدواج یعنی چه؟ خودش داستان غم انگیزی است. اما اینطور دختر بچه ها را به ازدواج مجبور کردن، یک زجر و شکنجه قانونی است. واقعن چه شرایطی وجود داشته که پدر و مادر راضی شده دختر بچه نجیب ش را این طور خوار و ذلیل بدست مردان هوسران بدهد؟ این دختر بچه ها آیا دختر بچه فلان حاجی بازاری هستند؟ یا فلان سرمایه دار؟ یا دختر بچه کارگران فقیر که اینطور دختر بچه های خود را بخاطر فقر و نداری از خانه بیرون می کنند، تا یک نان خور کم شود. این جور شوهر دادن دختر بچه ها، بیشترشان یا تا آخر عمر نازا می شوند و یا جان خود را از دست می دهند. البته آمار بالا دقیق نیست و این آمار فقط متعلق به کردستان، همدان، زاهدان، و اصفهان است. اگر زحمتکشی قادر باشد که نان خود و خانواده اش را تامین کند که هیچوقت دختر بچه اش را اینطور شوهر نمی دهد. ببین مردم این منطقه ها به چه روزی گرفتار آمده اند که جگر گوشه هایشان را اینطور شوهر می دهند. این آمار تکان دهنده را تازه خوانده بودم که خواندم، قرار است پدر خوانده با دختر خوانده خود ازدواج بکند. اینکه یک ناپدری چندین سال بچه ای را به چشم بچه خود دیده باشد و حالا یک مرتبه این دختر را به چشم یک زن، که می تواند زنش شود، ببیند فقط از آدمهای روانی بعید است. که خوب به آدم روانی هم نباید زن داد.

به سندیکاهای کارگری بپیوندیم

سجاد یوسفی

کارگر فلزکار

دوستان کارگر! اگر کارگران به عضویت سندیکاهای کارگری در آیند، از مزایای اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی آن بهره مند خواهند شد. در تمام کشورهای دنیا بزرگترین و اصلی ترین حامی ملت ها و کارگران، سندیکاهای کارگری می باشند و درمقابل، کارگران همان کشورها هم بزرگترین و مهمترین حامی سندیکاها می باشند. سندیکاهای کارگری هر کشوری با تربیت کارگران پیشرو و فعال سندیکایی برای فعالیت های کارگری نیازمند حمایت های مادی و معنوی کارگران هر کشور می باشد که در دو جهت از فعالان سندیکایی حمایت می کنند.

اول اینکه کارگران هر کشور با مهم دانستن فعالیت های سندیکایی سعی می کنند که تمام آموزشهای مقاطع مختلف سندیکایی را فرا بگیرند و با دانستنیهای سندیکایی آگاهی کاملی از حقوق حقه خود بدست آورند. که این خود یک حمایت بزرگ معنوی برای سندیکاهای هر کشوری محسوب شده و باعث افزایش شعور اجتماعی و دانستن حقوق شهروندی مردم نیز خواهد شد.

دوم اینکه کارگران هر کشوری درصد کمی از حقوق ماهیانه خود را به سندیکاهای کارگری پرداخت می کنند. چرا که سندیکاهای کارگری کاملاً مستقل بوده و از طرف دولتها نه حمایت مادی می شوند و نه حمایت معنوی. بلکه به علت عظمت فعالیت ها، سندیکاهای کارگری نیازمند کارگران پیشرو و فعالی هستند که بی دریغ تمام وقت خود را صرف فعالیت های سندیکایی نمایند و طبیعی است این کارگران نیازمند حمایت مادی باشند چون مخارج فعالیت سندیکایی از عهده توان کارگر پیشرو خارج است. مخارجی همچون تهیه و توزیع اطلاعیه ها و

نشریات و کتاب های مورد نیاز کارگران و تشکیل جلسات در سطوح مختلف و هزینه ایاب و ذهاب برای هماهنگی بین سندیکاهای کوچک که در سطوح کشور پراکنده اند و نیازمند هماهنگی می باشد. هزینه سنگین گردآوری اطلاعات، صفحه بندی و چاپ مجله ماهیانه که عموماً می بایستی این مجلات به سرعت بین کارگران توزیع شود. همه و همه فعالیت های گسترده سندیکای کارگری نیازمند کمک مادی شما عزیزان می باشد. تو ای کارگر عزیز با پرداخت حتا یک صدم دستمزد کارگریت بطور غیر مستقیم برای خود و فرزندان خود و فرزندان فامیل و فرزندان این کشور هزینه می کنی. این مبلغ به ظاهر کم وقتی که از طرف کارگران آگاه به حقوق حقه خود جمع آوری شد می تواند دست کارگران پیشرو را پیش از بیش باز کند تا با شتاب باور نکردنی از تو کارگر ایران زمین و فرزندان تو حمایت کند.

سندیکاهای کارگری ایران همچون سندیکاهای کشورهای دیگر با فعالیت گسترده، برای ارتقا سطح زندگی کارگران ایرانی فعالیت انجام می دهند که به شرح زیر می باشد:

1- افزایش دستمزد سالانه با چانه زنی مستقیم با دولت و مجلس با توسل به قراردادهای دست جمعی.

2- گرفتن مزایای کارگری برای کارگران از جمله بیمه، اجرا شدن قانون کار و حتا شیروصابون دست شویی.

3- گرفتن مزایای بازنشستگی بخصوص مستمیری که با زندگی مان مطابقت داشته، از صندوق بیمه تامین اجتماعی برای روزهای پیری مان.

4- برداشتن پیمانکاران که کارگران را با قرار دادهای موقت و کوتاه مدت و سفید امضا به برده خود تبدیل می کنند با جایگزین کردن استخدام رسمی.

- 5- موظف کردن کارفرما برای حفاظت و امنیت جان و سلامت کارگران در محیط های کار، با سرکشی های به موقع.
 - 6- ایجاد سیستم آموزشی یکپارچه سندیکاهای کارگری برای بیش از 30 میلیون کارگر ایران زمین.
 - 7- رسیدگی به امور کارگران زن مظلوم در ایران که طی سالهای اخیر بر اثر مشکلات مالی جامعه بیش از پیش تحت ستم کارفرمایان هستند و حق و حقوق شان خورده می شود.
 - 8- رسیدگی به پدیده زشت کار کودک که به تازگی در کشور گسترده تر شده است و دستگاههای دولتی کوچکترین قدمی بر نمی دارند.
 - 9- حمایت از شغل های موجود یکی از وظایف بزرگ سندیکاهای کارگری در ایران است. که بر اثر نبود سندیکا هر روزه شاهد از بین رفتن بسیاری از مشاغل می باشیم. و دولت هرگز نمی تواند این مشاغل را احیا کند مگر در حد شعار. مثل تعطیلی کارخانه فولاد زاگرس قروه.
 - 10- نبود سندیکا باعث شده که طبقه کارگر و فعال جامعه که بیشترین سهم تولید ثروت را در کشور دارد، خود فقیر و فقیرتر بشود. به نحوی که کارگر ایرانی با 8 ساعت کار طاقت فرسا همچنان 4 برابر زیر خط فقر قرار دارد.
- دوستان کارگر با توجه به ده مورد گفته شده و دهها مورد نگفته شده دیگر که کم و بیش آثار فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مخربی بر جامعه کارگری ایران وارد کرده است و کم و بیش همه ما از آن اطلاع داریم. فقط و فقط در سایه نبود سندیکاهای کارگری بوجود آمده است. پس بیایید از کارگران پیشرو حمایت مادی و معنوی کنیم. تا طبق قانون اساسی کارگران سندیکایی با دل گرمی بیشتری فعالیت کنند و از حقوق کارگرمیان دفاع کرده و آینده روشنی برای فرزندانمان تدارک ببینیم.

بدانیم و به کار بندیم

سندیکا

(syndicate)

واژه ای با ریشه فرانسوی به معنای انجمن که در اصطلاح به سازمانهای صنفی حرفه ای (کارگری و کارفرمایی) اطلاق میشود. گروهی از افراد جامعه که نسبت به ابزار تولید، منافع مشترکی دارند برای دفاع از منافع حرفه ای خود، سازمانی تشکیل میدهند که آن را سندیکا مینامند.

سندیکا را فقط کارگران تشکیل نمیدهند. بلکه صاحبان تولید و کارفرمایان نیز برای حراست از منافع خود، دارای سندیکا هستند. مجموعه ای از سندیکاهای محیطهای کاری یک حرفه، اتحادیه همان صنف را تشکیل میدهند.

سندیکای کارگری، پایه ای ترین سازمان طبقاتی برای دفاع از منافع مادی و معنوی طبقه کارگر است.

اکثر کارگران بخاطر ناآگاهی و نداشتن مرکزیت سندیکایی و صنفی روز به روز به تعلقات سندیکایی بی اعتنا تر و به زندگی بی قیدتر میشوند و در اثر رشد نایافتگی اجتماعی، خود را به دامن کارفرما می اندازند تا آنجا که خودشان که کارگرند، از سوی کارفرما تبدیل به بهترین سلاح برای ارباب کارگران میشوند.

در دهه بیست خورشیدی، طبقه کارگر ایران با تشکیل اتحادیه های کارگری و سپس با تشکیل شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران توانست قوانین کار را به دستگاه حاکم تحمیل کند و حق تشکیل سازمانهای کارگری (سندیکاها) را رسمیت بخشد.

اگر کارگران متحد نباشند، کارفرمایان برای کسب سود بیشتر، فشار بر روی طبقه کارگر را افزایش خواهند داد و با دستمزد اندک و ساعات کار زیاد از آنان بهره کشی میکنند.

در کشورهای سرمایه داری که برای کسب سود بیشتر دست و پا میزنند، انسانها و نیازهای زندگیشان نادیده گرفته میشوند. بنابراین کارفرمایان و افراد طبقه سرمایه دار و حتی خرده مالکان و کلاً صاحبان ابزار تولید برای سود بیشتر، دست به هر اقدامی میزنند تا حقوق کارگران را به هر نحوی ضایع کنند پس کارگران باید آگاه و هوشیار باشند و بتوانند با اتحاد در مقابل کارفرمایان و سودپرستان بایستند.

پرداخت دستمزد اندک، بیمه نکردن، کارکشیدن از کارگر در روزهای تعطیل، ساعات کار زیاد در روز (بیش از هشت ساعت)، در نظر نگرفتن اضافه کاری، به حساب نیاوردن شرایط دشوار مشاغل سخت و زیان آور، اهانت به شخصیت کارگران، امتناع از پرداخت عیدی، سر باز زدن از مرخصیهای سالیانه کارگران، در نظر نگرفتن مرخصیهای هفتگی و سالیانه و... از جمله مواردی است که مسلماً کارفرمایان را به سود بیشتری میرساند. لذا آنان از هر حربه ای برای پایمال کردن حق کارگر بهره میگیرند.

واضح است که اگر کارگر نسبت به این شرایط ناآگاه باشد و به تضییع حقوقش هوشیار نباشد، به راحتی منافع انسانی او، زیر پا گذاشته میشود.

سندیکا میکوشد با منسجم کردن کارگران و آگاهی دادن به آنان، طبقه کارگر را از یوغ بندگی رهایی دهد. دستیابی به این هدف، جز با اتحاد کارگران حاصل نمیشود.

کارگران باید با تشکیل سندیکای صنفشان، ضمن بالابردن سطح آگاهیهای اجتماعی و اقتصادی خود، و حمایت از سایر کارگران، دائماً



برای حفظ حقوق سندیکایی مبارزه کنند. چون همواره تحت فشار دائمی سرمایه داران و دولتهای حامی آنها هستند.

براساس اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کارفرمایان و کارگران میتوانند آزادانه انجمنهای صنفی خودشان را تأسیس کنند. هرچند که با کوشش کارگران برخی

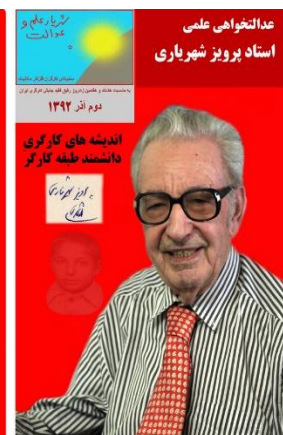
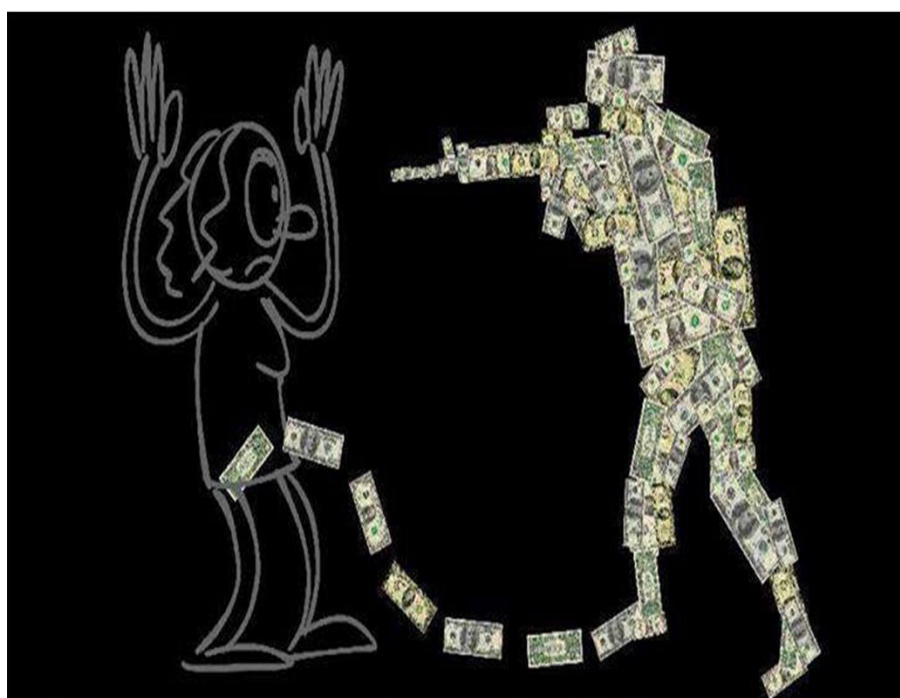
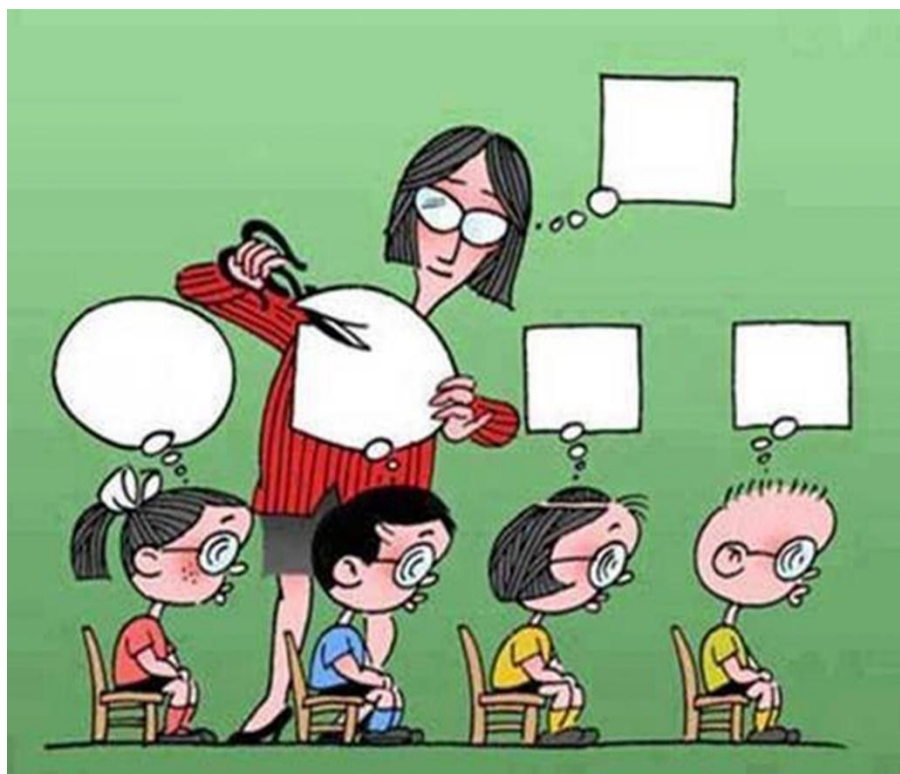
صنوف، سندیکاهایشان به دست خود کارگران تشکیل شده اما همان تعداد سندیکا نیز همواره با فشارهای زیادی از سوی کارفرمایان و سرمایه داری دولتی روبرو بوده است.

علیرغم آنچه که در قانون اساسی تصریح شده، تاکنون حکومت در عمل فقط از تشکیل اتحادیه های کارفرمایان دفاع کرده و هنوز کارگران از حق قانونیشان بی بهره مانده اند.

ما کارگران میبایست با اتحاد، آگاهی و مبارزه علمی، دولت را ملزم به اجرای قانون کنیم تا به وسیله سندیکا، به هدفمان که حقوق طبیعی انسانی و قانونی ما کارگران است، برسیم.

سندیکا یک سازمان طبقاتی، توده ای و دموکراتیک است که وظیفه اش متشکل کردن کارگران و دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی کارگران و متوقف ساختن استثمار شدید زحمتکشانشان است.

در شماره های بعدی پیام سندیکا، باز هم در این زمینه صحبت خواهیم کرد.



شهریار علم و عدالت

ویژه نامه

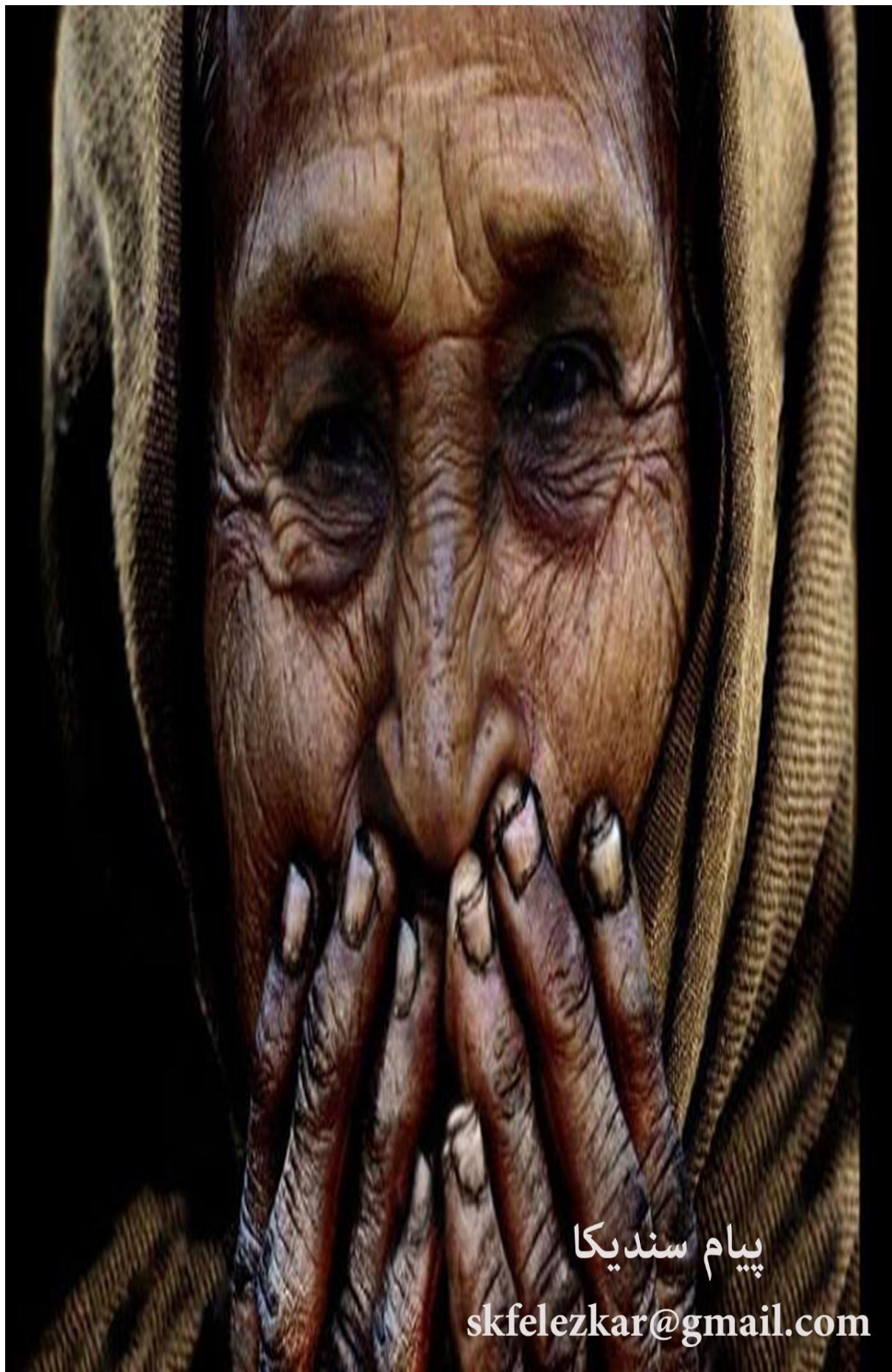
عدالتخواهی علمی
استاد پرویز شهریاری
(ریاضیدان عدالتخواه)

کاری از
سندیکای کارگران
فلزکار مکانیک

دوم آذر ۱۳۹۲
به مناسبت
هشتاد و هفتمین
زادروز این رفیق فقید

در ۱۸۸ صفحه

منتشر خواهد شد



پیام سندیکا

skfelezkar@gmail.com